



منشأ اندیشه مقام حضور است/ مرز نفس ناطقه گسترده تر از مرزهای دانش

دینانی گفت: وسعت نفس ناطقه انسان از اقیانوس بیشتر است. مساحت اقیانوس را می‌توانید اندازه بگیرید، اما نفس ناطقه را نمی‌توانید اندازه بگیرید. مرز نفس ناطقه از مرزهای دانش هم گسترده تر است.

دینانی گفت: وسعت نفس ناطقه انسان از اقیانوس بیشتر است. مساحت اقیانوس را می‌توانید اندازه بگیرید، اما نفس ناطقه را نمی‌توانید اندازه بگیرید. مرز نفس ناطقه از مرزهای دانش هم گسترده تر است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه «معرفت»؛ که از شبکه ۴ پخش می‌شود، در تفسیر کتاب خود «اختیار در ضرورت هستی» اظهار داشت: منشأ سخن، اندیشه است؛ سخنی که در اندیشه نباشد، سخن نیست. سخن گفتن خوب یا بد، زیبا یا غیرزیبا، فارسی یا عربی یا به هر زبان دیگری، از اندیشه برمی‌خیزد.

وی ادامه داد: سخن از اندیشه است اما اندیشه از کجاست؟ از «من» است. اندیشیدن یک فعل نفسانی است؛ اندیشنده می‌شود. حالا «من» از اندیشه برمی‌خیزد یا اندیشه از «من» برمی‌خیزد؟ اندیشه از «من» برمی‌خیزد.

این استاد دانشگاه با طرح این سؤال که «من» محصول اندیشه است یا اندیشه محصول «من» است؟ افزود: در این عالم که ما زندگی می‌کنیم، خرابی‌ها زیاد است؛ زلزله، سیل، فسادها، جنگ‌ها و ویرانی‌ها در این عالم زیاد است. معمولاً این ویرانی‌ها که در عالم اتفاق می‌افتد، اشخاص این ویرانی‌ها را به طبیعت نسبت می‌دهند؛ می‌گویند طبیعت این کار را کرده است. حالا من می‌خواهم این سؤال را مطرح کنم که ویرانی‌هایی که تاکنون در عالم بوده و اکنون ما در عالم می‌بینیم، همه آنها محصول طبیعت است یا محصول اراده آدمی نیز است؛ بیشترین خرابی‌ها محصول اراده آدمی است. پس اراده آدمی در ایجاد کردن خرابی، کمتر از طبیعت نیست.

ابراهیمی دینانی تصریح کرد: دانش از انسان است؛ کوه، دریا و صحرا دانش ندارند. انسان دانش می‌آفریند. دانش، بنیان همه چیز است، اما منشأ دانش، انسان است.

وی با بیان اینکه طبیعت نیمی از واقعیت است، گفت: واقعیت گسترده‌تر از طبیعت است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران اظهار داشت: حکمای مسلمان از فارابی تا ابن‌سینا، علم را به حصولی و حضوری تقسیم کرده‌اند؛ هر چیزی در این عالم منشأ دارد، اندیشه هم منشأ دارد. اندیشه مجرد و ثابت است. خصلت سلول مادی است. اندیشه خواص ماده را دارد. وقتی که از منشأ اندیشه صحبت می‌کنیم، حکمای ما می‌گویند مقام حضور است. اندکی فهمیدن علم حضوری مشکل است. علم حضوری را به علم حصولی تبدیل می‌کنند. شما تا تصور و حضور کردید، آن تصور شما حصولی می‌شود. حصولی یعنی چیزی که پیدا می‌شود؛ حضور پیدا نمی‌شود. حصول از مقام حضور است. نفس ناطقه حضور است ولی این حضور در حصول ظاهر می‌شود؛ یعنی تجلی می‌کند. تجلی حضور یا در تصور است و یا در تصدیق است.

ابراهیمی دینانی با بیان اینکه عالم به دو قسم تصور و تصدیق تقسیم شده است، گفت: تصور و تصدیق، علوم حصولی هستند. هر آنچه انسان در عالم اندیشه، علم و آگاهی بداند، به دو قسم تصور و تصدیق تقسیم می‌شوند که حصولی و اند این تصور و تصدیق از مقام حضور ظاهر می‌شوند. مقام حضور «من» است و قابل تصور نیست. فقط می‌توانم بگویم که هست. به مجرد اینکه خواستم تصور کنم که حضور چگونه است، حضور را تبدیل به حصول کردم.

وی با اشاره به اینکه انسان بدون آرزو نمی‌تواند زندگی کند، افزود: هر انسانی برای فردای بهتر آرزومند است. انسان همواره با آرزو و امید زندگی می‌کند. آرزو یعنی بهتر خواستن. انسان همیشه بهتر را می‌خواهد. اگر بهتر خواستن وجود نداشت، انسان دست به فعالیت نمی‌زد و پیشرفت و کشف علوم به وجود نمی‌آمد و ای کاش انسان همیشه آرزومند باشد.

وی ادامه داد: وسعت نفس ناطقه انسان از اقیانوس بیشتر است. مساحت اقیانوس را می‌توانید اندازه بگیرید، اما نفس ناطقه را نمی‌توانید اندازه بگیرید. مرز نفس ناطقه از مرزهای دانش هم گسترده‌تر است. هر آدمی یک اقیانوس است که خودش نمی‌داند و اقیانوس خودش را فراموش کرده است. خودش را یک نحر و برکه کوچک کرده است، در حالی که یک اقیانوس است. خود را رها کن و به اعماق اقیانوس برو. اگر به اعماق اقیانوس بروید، در گرانیهایی از آن درمی‌آید.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران خاطرنشان کرد: امروزه دنیا از معارف محروم است، شما از آثار سنایی و عطار گرفته تا مولوی، حافظ و سعدی، ببینید چقدر معارف در ابیات شیرین این بزرگان نهفته است. اما متأسفانه با این بزرگان کمتر مأنوس هستیم. باید نسل جوان ما به آثار ادبی و اشعار این بزرگان، بیشتر آشنا شود.